

بررسی نقش ظرفیت‌سازی آموزشی بر میزان مشارکت روستائیان در فعالیت‌های عمرانی شهرستان بناب^۱

دریافت مقاله: ۹۳/۸/۱۰ پذیرش نهایی: ۹۴/۹/۱

صفحات: ۱۴۰-۱۱۹

وکیل حیدری ساربان: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری و روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی^۲

Email: Vheidari۵۶@Gmail.com

علی مجنونى توتخانه: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی.

Email: a.majnoni@Gmail.com

چکیده

امروزه مشارکت و توسعه به عنوان دو عنصر مرتبط و مکمل همدیگر مطرح می‌باشد زیرا به اعتقاد صاحب‌نظران افزایش میزان مشارکت به عنوان یکی از نشانه‌های توسعه مطرح است و در این بین توجه به نیازهای آموزشی و مهارتی روستائیان می‌تواند میزان مشارکت روستائیان در فعالیت‌های عمرانی را افزایش دهد؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش ظرفیت‌سازی آموزشی بر میزان مشارکت روستائیان در فعالیت‌های عمرانی و به روش پیمایشی صورت گرفته است؛ بنابراین از نوع پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی بوده است. جامعه آماری این پژوهش ۴۹۹۰۱ نفر ساکن ۲۹ روستای شهرستان بناب جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌باشد که از این میان بر اساس فرمول کوکران و به صورت تصادفی ۴۰۰ نفر به عنوان تعداد نمونه و به روش تصادفی ساده انتخاب شده است. روایی صوری پرسشنامه با کسب نظر پانل متخصصان در سطح خیلی خوب و پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون پیرسون و آزمون رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که از بین متغیرهای ظرفیت‌سازی آموزشی میزان استفاده از خدمات مشاوره، رضایت از خدمات آموزش و

^۱. پژوهش حاضر برگرفته از پایان نامه با عنوان "بررسی نقش ظرفیت‌سازی اجتماعی بر میزان مشارکت روستائیان در فعالیت‌های عمرانی، مطالعه موردی: شهرستان بناب" بوده است

^۲. نویسنده مسئول: اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری و روستایی.

میزان مطالعه کتاب با میزان مشارکت روستائیان در فعالیتهای عمرانی رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین در آزمون رگرسیون چند متغیره خطی متغیرهای مربوط به ظرفیت‌سازی آموزشی توانایی تبیین ۸۷ درصد از تغییرات مربوط به میزان مشارکت روستائیان در فعالیتهای عمرانی را دارند. بنابراین به منظور توانمند ساختن جوامع روستایی جهت مشارکت فعال در عمران و آبادانی روستا، اقدام به تقویت ظرفیتهای آموزشی از طریق آموزش و مشاوره مستقیم نمود.

کلید واژگان: ظرفیت‌سازی، توسعه روستایی، ظرفیت‌سازی آموزشی، مشارکت، طرح‌های عمرانی، شهرستان بناب.

مقدمه

مشارکت یک نیاز سرشتی محسوب می‌شود؛ زیرا انسان بر پایه‌ی آفرینش خویش نیاز به تعلق و پیوند با دیگران دارد و خوی اجتماعی بودن در وی نهفته است. بیان اندیشمندان بر اینکه انسان‌ها یک هستی اجتماعی است مبین آن است که انسان‌ها به صورت طبیعی و بر اساس سرشت خویش داوطلب کار و زندگی با دیگران هستند. نهادهای بنیادی که انسان‌ها در آن‌ها پرورده می‌شود و زندگی را پی می‌گیرد به طور عمومی، پاسخی به نیاز مشارکت فراهم می‌سازد (Shortall, ۲۰۰۸: ۴۵۷). این امر از طریق همیاری‌های مردمی استوار می‌گردد؛ و جامعه‌ی روستایی به عنوان اولین عرصه‌ی شکل‌گیری اجتماعات انسانی، نیازمند مشارکت و همکاری همه‌ی اجزای آن است زیرا جامعه‌ی روستایی بدون مشارکت مؤثر اعضای خود در ابعاد گوناگون توسعه نمی‌تواند چارچوب یک توسعه‌ی همه‌جانبه را پایه‌ریزی کند (Wang & Dai, ۲۰۱۳: ۱۱۸).

بنابراین با هر نگرشی که مشارکت را مورد مطالعه قرار دهیم این نکته اساسی را نمی‌توان انکار کرد که مشارکت در عمل چنان کامیاب بوده است که به طور گسترده و در بیشتر کشورهای پیشرفته جهان پذیرش عام یافته است. بی‌شک چنین مقبولیتی در سایه‌ی اثربخشی مشارکت در بالا بردن بهره‌وری، توسعه همه‌جانبه، افزایش دانش و مهارت‌ها و در نهایت افزایش کیفیت زندگی به دست آمده است (Zhang & Lu, ۲۰۱۱: ۲۴۰). در این راستا یکی از عواملی که دارای اثرات مثبت در میزان مشارکت روستائیان در فعالیتهای عمرانی روستایی بوده است عبارت است از ظرفیت‌سازی آموزشی در بین ساکنان روستاها می‌باشد، بنابراین همگان به اهمیت مشارکت و هم به اهمیت آموزش اعتقاد مشترک دارند؛ زیرا از نظر آنان

اهمیت مشارکت به دلیل ایجاد همبستگی، تعلق مکانی و تلاش جمعی میان افراد جامعه به منظور نیل به نظام عادلانه‌ی اجتماعی و یا به عبارتی مشارکت عبارت است از درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به اهداف گروهی، همدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. همچنین در زمینه‌ی اهمیت آموزش نیز اتفاق نظر وجود دارد که یکی از پایه‌های اساسی برای دستیابی به توسعه محسوب می‌شود (Copland, ۲۰۰۳: ۳۷۵-۳۸۰) به طوری که فاجرلیند^۱ (۲۰۰۱) معتقد است که برای رشد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کسب آموزش و مهارت اجتناب‌ناپذیر است به عبارتی ظرفیت‌سازی آموزشی فرآیندی است که توسط آن افراد، سازمان‌ها، مؤسسات و جوامع می‌توانند از طریق دستیابی به منابع آموزشی توانایی‌های و مهارت‌های خود را (فردی یا جمعی) برای اجرای وظایف خود، حل مشکلات، تعیین اهداف و نیل به اهداف مشترک توسعه دهند؛ بنابراین این تعریف ظرفیت‌سازی آموزشی از طریق در اختیار گذاشتن منابع آموزشی (آموزش مستقیم، استفاده از کتاب و کتابخانه، استفاده از وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو تلویزیون و...) و همچنین کمک به افزایش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای روستائیان (Merode & Westirk, ۲۰۰۴).

شهرستان بناب با ۲۹ روستا و جمعیتی ساکن روستایی بالغ بر پنجاه هزار نفر نیروی عظیمی را برای مشارکت و پیشبرد طرح‌های عمرانی فراهم نموده است، ولی بایستی توجه نمود که هنوز به دلایلی از جمله نبود سواد و مهارت کافی هنوز خیلی از روستائیان شهرستان بناب به اهمیت مشارکت در روند مدیریت توسعه‌ی روستایی آگاهی ندارند در واقع آنان با وجود داشتن ظرفیت‌های بالقوه، به دلیل عدم آگاهی کافی به صورت بالفعل نتوانستند از ظرفیت‌های خود برای نقش‌آفرینی در روند توسعه‌ی روستای خود استفاده نمایند؛ که در این میان نقش آموزش و آگاهی‌بخشی بیش‌ازپیش آشکار می‌شود. از طرفی در طول پانزده سال اخیر به طور متوسط در روستاهای شهرستان، هر دو الی سه سال یک طرح عمرانی توسط نهادهای دولتی مانند بنیاد مسکن، جهاد کشاورزی و ... مورد بهره‌برداری واقع شده است ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون ساکنان محلی این روستاها به عنوان ذینفعان اصلی این طرح‌ها در روند تهیه، اجرا و نگهداری این طرح‌ها هیچ‌گونه نقشی نداشته و یا در صورت نقش‌آفرینی بسیار جزئی بوده است که این عامل گاهی مانع از اجرای کامل طرح شده و حتی در بعضی از روستاها ساکنین به دلیل عدم آگاهی کامل از اهداف طرح مانع از اجرای آن شده‌اند؛ بنابراین با توجه به اهمیت

^۱. fagerlind

موضوع و همچنین شرایط محدوده‌ی مورد مطالعه پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر بوده است.

۱- آیا بین ظرفیت‌سازی آموزشی و میزان مشارکت روستائیان در فعالیت‌های عمرانی رابطه معنی‌دار وجود دارد؟

۲- آیا بین ارتقای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و میزان مشارکت روستائیان در فعالیت‌های عمرانی رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد؟

۳- بین دسترسی به منابع آموزشی مانند کتابخانه، کتاب، وسایل آموزشی جمعی، آموزش مستقیم و... کدام منبع یا منابع از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است؟

۴- نحوه‌ی توزیع روستاهای شهرستان بناب از نظر میزان ظرفیت‌سازی اجتماعی چگونه است؟

پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون در رابطه با نقش ظرفیت‌سازی آموزشی^۱ بر میزان مشارکت روستائیان در فعالیت‌های عمرانی مطالعات در داخل کشور مطالعاتی چندانی صورت نگرفته است و بیشتر مطالعات صورت گرفته توسط محققان خارجی صورت گرفته است.

کارترین و میشل (۲۰۱۲) در مقاله‌ی خود تحت عنوان «ظرفیت‌سازی آموزشی برای جوانان روستایی جهت دستیابی به توسعه‌ی روستایی» به این نتیجه رسیدند که ساکنان روستایی و به خصوص جوانان روستایی به دلیل نداشتن دانش و آگاهی کامل از امکانات موجود در روستا به منظور دستیابی به توسعه و پیشرفت بی‌خبر هستند و بنابراین جهت ارائه‌ی این آگاهی و دانش می‌توان از طریق ارتقای مهارت‌ها ظرفیت‌های آموزشی جوانان روستایی را ارتقا داد (Katherine & Michael, ۲۰۱۰: ۲-۴). مایکل و کیت (۲۰۱۰) در مقاله‌ی خود با عنوان «چالش‌های ظرفیت‌سازی آموزشی و مشارکت در توسعه جوامع کوچک» به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین نیاز در توسعه جوامع محلی دسترسی ارزان به نیازهای آموزشی خود می‌باشد همچنین آنان بیان داشتند که در این زمینه ضمن اینکه بایستی به مدل‌های توسعه مشارکتی با رویکرد محلی توجه شود از تجارب بین‌المللی غافل نشد؛ و در نهایت آنان به اثرات مهم ظرفیت‌سازی آموزشی بر میزان مشارکت اشاره نمود و نتیجه‌گیری می‌کنند که ارتقای ظرفیت‌های آموزشی متناسب با نیازهای جامعه‌ی محلی یک نیاز اساسی برای کشورهای جهان سوم به شمار می‌آید که بایستی در برنامه‌های عمرانی مورد توجه قرار گیرد. (Micheal & Keith, ۲۰۱۰: ۳۹۵-۴۰۹)

^۱. Educational Capacity Building

ماریا هارت (۲۰۱۱) در پژوهشی برای صندوق بین‌المللی توسعه‌ی کشاورزی با عنوان «آموزش و ظرفیت‌سازی برای روستائیان، تعریف یک چشم‌انداز» به این نتیجه رسیده است که تلاش برای ظرفیت‌سازی، آموزش و توسعه‌ی مهارت‌های فنی و حرفه‌ای نشان دهنده‌ی یک سرمایه‌گذاری بزرگ برای دستیابی به توسعه‌ی روستایی محسوب می‌شود.

همچنین وی بیان می‌دارد که در کشورهای در حال توسعه حدود ۳۵ درصد توسعه روستاها منوط به توجه به ارتقای ظرفیت‌های آموزشی می‌شود زیرا امروز در این گونه کشورها تمامی ابعاد توسعه اعم از کشاورزی، اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی از نبود سیستم آموزشی مناسب آسیب می‌بیند؛ و درنهایت وی بیان می‌دارد که توجه به ارتقای مهارت فنی و آموزشی یکی از مهم‌ترین ابزارهای لازم برای جلب مشارکت فقرا روستایی در روند برنامه‌های توسعه محسوب می‌شود زیرا ایجاد ظرفیت‌های آموزشی ضمن اینکه به روستائیان در مقابله با بحران‌های غذایی، مالی و زیست‌محیطی کمک می‌کند، به آنان در دستیابی به یک زندگی پایدار نیز کمک می‌کند. (Maria Hart, ۲۰۱۱: ۶۱-۶۴)

میشل مورای و لاری دن (۱۹۹۵) در پژوهشی با عنوان «ظرفیت‌سازی برای توسعه‌ی روستایی در ایالات‌متحده‌ی آمریکا» بیشتر به مهارت‌های رهبری توجه نموده و نقش رهبری را در بازسازی روستاها مورد توجه قرار داده‌اند. به عبارتی آنان تلاش کردند تا مهارت‌های رهبری را از تئوری تا عمل درزمینه‌ی جلب مشارکت روستائیان در فعالیت‌های عمرانی مورد بررسی قرار دهند و در نهایت آنان به این نتیجه رسیدند که تلاش برای ظرفیت‌سازی آموزشی یک امر بسیار پیچیده بود که نیاز به همکاری و مشارکت بین بخشی و همکاری گسترده بین نهادهای برنامه ریزان و مردم محلی است. (Murray & Dunn, ۱۹۹۵: ۸۹-۹۷)

مبانی نظری

از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد، رویکردهای مشارکتی در ادبیات توسعه، به طور جدی مورد توجه و بحث صاحب‌نظران علوم مختلف و به خصوص صاحب‌نظران امور توسعه قرار گرفته و بسط این مفهوم در دوران جدید و به ویژه ارتباط آن با توسعه و از آن جمله توسعه روستایی، ابعادی نو و گسترده به آن بخشیده است؛ زیرا تأکید بر اصل مشارکت در برنامه‌ریزی به این دلیل است که توسعه بیش از هر چیز به انگیزش و یادگیری نیازمند است و در بهبود و کفایت مستمر توانایی‌های درونی تجلی می‌یابد (سرور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

با توجه به اهمیت زیاد مشارکت، تاکنون این واژه از دیدگاه مکاتب و نظریه‌پردازان زیادی مورد بررسی قرار گرفته است به طور مثال مکتب ساخت‌گرایی معتقد است که مشارکت

اجتماعی مردم جزئی از ساخت اجتماعی هر جامعه را تشکیل می‌دهد. از نظر صاحب‌نظران این مکتب، روابط پایدار نهادینه شده در جامعه‌اند که میزان مشارکت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Cuthill & Fien, ۲۰۰۵: ۴۰)؛ و یا اینکه مکتب کارکردگرایی^۱ توجه خود را به نقش‌ها و کارکردهایی معطوف می‌دارد که مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه موجب پدید آمدن آن‌ها می‌شود. از نظر طرفداران این مکتب عملکرد که مشارکت گروه یا طبقه خاصی در جامعه به وجود می‌آورد، حائز اهمیت است؛ زیرا در نتیجه این کارکردها، نظام اجتماعی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد و انسجام اجتماعی و وفاق جمعی را پدید آورد. (جهانیان، ۱۳۸۹: ۴۸-۴۶)

مکتب تضاد^۲ مشارکت اجتماعی را در قالب روابط طبقاتی، مبادله نابرابر و کشمکش و ستیز میان گروه‌ها مورد توجه قرار می‌دهد. نظریه‌پردازان مکتب تضاد، روح جمعی و انسجام اجتماعی را مورد غفلت قرار می‌دهند. این مکتب، معنای عام و واقعی مشارکت را در جامعه‌ای آرمانی و بی‌طبقه جست‌وجو می‌کند. (صیدائی، ۱۳۸۹: ۱۰) دیدگاه‌های فرهنگی^۳؛ این دیدگاه جنبه‌های پویایی مشارکت را برحسب ایجاد تغییرات در ساخت هنجارهای جامعه، به‌خصوص مجموعه‌ای از ارزش‌ها که مانع یا مشوق مشارکت اجتماعی می‌شوند، بررسی می‌کند. دیدگاه‌های روان‌شناختی^۴؛ افزایش مشارکت در جامعه را ناشی از تغییر در نگرش، افکار و شخصیت افراد می‌دانند. به منظور بالا رفتن میزان مشارکت مردم در جامعه، ایجاد سلسله تغییرات مطلوبی در ساخت شخصیت آن‌ها الزامی است. (World Bank, ۱۹۹۹: ۱۲)

مشارکت در توسعه روستایی، تواناسازی مردم روستایی و استفاده از آن در برنامه‌ریزی و عمل است. شوبلر^۵ مشارکت روستائیان در پروژه‌های عمرانی و یا طرح‌های عمرانی را شامل جریانی می‌داند که روستائیان و یا مصرف‌کنندگان پروژه‌ها، نه تنها در کم و کیف تهیه‌ی آن نقش داشته باشند، بلکه امکان حضور رسمی، یا غیر رسمی در جریان عملیات اجرایی فراهم گردد (استعلاجی، ۱۳۹۱: ۲۴۱-۲۴۲). اوکلی و مارسدن در توسعه‌ی روستایی کشورهای جهان سوم عنوان می‌کنند که مشارکت مردم و مبنا قرار دادن فعالیت‌های مردم روستایی مهم‌ترین محور توسعه روستایی است زیرا که این طرح‌ها برای مردم برنامه‌ریزی شده و مردم از آن استفاده خواهند نمود.

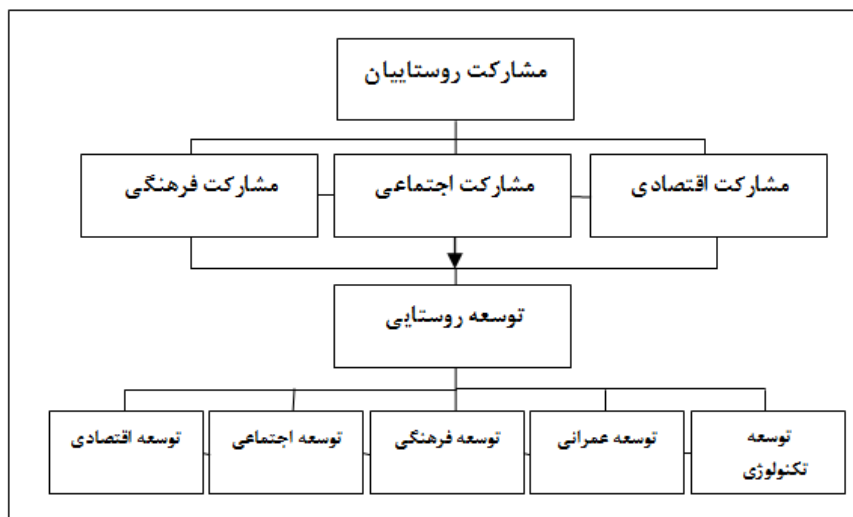
^۱ Functionalism

^۲ Conflict

^۳ Cultural Perspectives

^۴ Psychological Perspectives

^۵ Schuyler



شکل (۱). تاثیر مشارکت بر توسعه‌ی روستایی (رحیم زاده و انزایی، ۱۳۹۱: ۱۱۵)

یکی از عوامل مؤثر بر ظرفیت‌سازی، آموزش و نظام آموزشی است. یک نظام آموزشی مؤثر با ارتقاء سطح مهارت‌های کاری و فردی موجب کارآمدی نیروی انسانی روستائیان می‌شود. در واقع اگر نظام آموزشی کارآمد نباشد و متناسب با نیازهای زمان ایجاد نشده باشد، تلاش‌های صورت گرفته برای افزایش ظرفیت‌های نیروی انسانی موجود در روستا به نتایج مطلوب نخواهد رسید. آموزش باید بر مبنای نیازها و اهداف توسعه‌ی روستایی صورت گیرد، چنانچه آموزش و برنامه‌های آموزشی به دنبال رفع نواقص و کاستی‌های مهارتی موجود در روستاها باشد به زودی اثرات سازنده‌ی آن بر میزان مشارکت روستائیان آشکار خواهد شد. به طور کلی آموزش و افزایش مهارت‌های شغلی روستائیان، شاید یکی از بهترین راه‌کارهای ممکن برای ظرفیت‌سازی در روستا محسوب می‌شود. (Lambert, ۲۰۰۲: ۳۸-۴۰) در واقع آموزش و ظرفیت‌سازی از جمله ظرفیت‌سازی آموزشی از ابزارهای زیر بنایی فرآیند افزایش مشارکت روستائیان محسوب می‌شود؛ زیرا به‌وسیله‌ی آموزش، فقرا و زیان دیدگان با مفهوم افزایش بهره‌وری و توان کسب درآمد آشنا می‌شوند. آموزش و تربیت می‌تواند قدرت چانه‌زنی فقرا به خصوص فقرای روستایی را افزایش دهد؛ آگاهی و اعتماد به نفس آن‌ها را پرورش دهد؛ آگاهی از قوانین و حقوق اجتماعی را ارتقاء دهد؛ و دسترسی و استفاده از منابع اقتصادی مانند مشاغل، زمین، اعتبار و اطلاعات را بهبود بخشد و روستائیان را از نظر جایگاه فرهنگی و سطح تحصیلات در موقعیتی مناسب قرار داده و در نهایت آنان به این نتیجه خواهند رسید که جهت دستیابی به شرایط

بهتر بایستی وارد عرصه عمرانی شده و در این زمینه مشارکت داشته باشند. (Laverack & Thangphet, ۲۰۰۹: ۱۷۷) برای مهارت‌آموزی به ساکنین روستاها و درگیر کردن آنان در اداره امور روستای باعث ایجاد اطمینان در آنها می‌شود و به افزایش توانمندی‌های مدیریتی کمک می‌کند؛ زیرا آنان از طریق ایجاد محیط امن که بتوانند نگرانی‌های خود را طبقه‌بندی کنند، راه‌حل‌های خود را برای مشکلات جمعی توسعه دهند و توانایی‌های خود را افزایش داده و در نهایت می‌توانند در توانمندسازی اجتماعی و سیاسی همکاری نمایند. از نظر نیکلاس ظرفیت‌سازی آموزشی در سه مرحله‌ای برای جلب مشارکت روستائیان می‌تواند کارساز باشد.

- تحلیل توانایی‌های حاضر روستائیان و کمک به آنان برای کارکردن با حداکثر استعداد است؛
- به‌کارگیری تکنیک‌های آموزشی توسط رهبران محلی برای به‌کارگیری روستائیان که فراتر از توانایی‌های فعلی آنان است؛

- دستیابی به تعهد روستائیان از راه به اشتراک گذاردن نظرها و ارزش‌ها که با کامل شدن این مرحله، ظرفیت‌سازی حاصل می‌شود.

همچنین از نظری نیکلاس آموزش یکی از پیچیده‌ترین وظایف در اداره امور هر جامعه روستایی و به ویژه در مدیریت نیروی انسانی روستایی است. (Margaret, ۲۰۰۲: ۲۱۴) در حقیقت آموزش از مهم‌ترین اقدامات و برنامه‌های هر نوع برنامه‌ریزی برای توسعه بوده و نظام آموزشی تکمیل‌کننده نظام پیشرفت و توسعه به شمار می‌رود باعث توانمندی نیروی انسانی موجود شده و موفقیت‌های آتی را تضمین می‌کند. آموزش و ظرفیت‌سازی باعث بینش و بصیرت عمیق‌تر دانش و معرفت بالاتر و توانایی و مهارت بیشتر انسان‌های ساکن در روستاها برای اجرای وظایف محول شده و در نتیجه موجب نیل به هدف‌های جمعی با کارایی و ثمربخشی بهتر و بیشتر است.

بنابراین ظرفیت‌سازی آموزشی به دنبال ایجاد راه و روش نظام‌گرا و برنامه‌ریزی شده برای دگرگون کردن باورها، نگرش‌ها، ساختار و برنامه‌های آموزشی تعریف شده که به موجب آن جوامع محلی روستایی را قادر می‌سازد تا با تغییرات محیطی سازش بهتری پیدا نماید. بر مبنای این تعریف، ظرفیت‌سازی آموزشی نمی‌تواند یک جریان موقت و کوتاه مدت باشد، بلکه باید آن را برنامه‌ای مداوم برای بهبود اثربخشی آموزش دانست که وظیفه اصلی آن متحول نمودن رفتار و عملکرد سازمانی افراد هست. (Copland, ۲۰۰۳: ۳۷۷)

جدول (۱). مشخصات جمعیتی روستاهای شهرستان بناب

روستا	خانوار	جمعیت	روستا	خانوار	جمعیت
چلقایی	۱۳۷۱	۴۶۶۲	روست بزرگ	۷۱۶	۲۴۷۹
دیزج پروانه	۲۱۳	۷۳۴	زوارق	۶۲۹	۲۱۹۶
خوشه مهر	۱۰۸۶	۳۷۳۸	کوته مهر	۱۳۸	۷۵۱
تازه کندخوشه مهر	۵۰۲	۱۷۳۶	اخوندقشلاق	۱۳۹۱	۴۷۶۵
بنگی کندخوشه مهر	۲۸۳	۱۰۸۵	قره چیق	۱۷۳۰	۵۷۱۸
آلقر	۵۰۰	۱۶۵۹	علی خواجه	۳۸۲	۱۴۰۰
دوش	۲۳۱	۸۹۴	خانه برق جدید	۸۳۰	۳۰۱۰
شورگل	۱۴۸	۵۴۳	خانه برق قدیم	۳۶۲	۱۳۰۶
قیما س خان	۱۲	۴۴	خلیلوند	۳۵۴	۱۳۱۴
قره زکی	۲۹	۱۱۲	چپقلو	۸۹۰	۳۱۹۱
صور	۷۲	۲۷۱	خانه برق عیسی خانی	۱۵	۵۲
توته خانه	۱۶۳	۶۰۰	بنگی کندخانه برق	۲۰۷	۷۶۴
روشت کوچک	۷۱۶	۱۳۱۴	حاجی مصیب	۲۴	۸۰
زاوشت	۱۱۴۰	۳۹۶۸	قره قشلاق	۱۶۵	۵۹۹
قشلاق خانه برق	۲۶۰	۹۱۵	مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

دهستان بناجوی غربی از نظر مساحت و تعداد روستابه عنوان بزرگ‌ترین دهستان شهرستان بناب بوده با ۱۴ روستا و ۱۳۴۳۴ نفر دارای بیشترین افراد ساکن روستا است. دهستان بناجوی شمالی نیز با ۱۰ روستا و ۱۱۸۸۴ نفر و دهستان بناجوی شرقی نیز با ۵ روستا و ۴۴۷۲ نفر در رده‌های بعدی قرار دارند.

این تحقیق از لحاظ هدف، توسعه‌ای و از لحاظ ماهیت، توصیفی و پیمایشی و نیز از نوع همبستگی است. در این تحقیق روش گردآوری داده‌ها برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق، به دو صورت اسنادی (داده‌های ثانویه) و پیمایشی (داده‌های اولیه) و ابزار مورد استفاده در روش پیمایشی پرسش‌نامه و مصاحبه بوده است. به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش از پرسشنامه با طیف لیکریت پنج گزینه (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد استفاده شده است) استفاده گردید. مضاف بر این، برای سنجش میزان مشارکت روستائیان محقق با توجه به سؤالات تحقیق اقدام به تهیه و تنظیم پرسشنامه مبادرت ورزید. همچنین منظور از مشارکت در این پژوهش سه نوع مشارکت فیزیکی، مشارکت مالی و مشارکت فکری روستائیان در

بررسی نقش ظرفیت‌سازی آموزشی بر میزان مشارکت روستائیان در فعالیت‌های ... ۱۲۹

فعالیت‌های عمرانی است. روایی صوری^۱ پرسش‌نامه توسط متخصصان^۲ مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه راهنما^۳ در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۵۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا، پایایی^۴ پرسش‌نامه ۰/۹۲ به دست آمد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه روستائیان بالای ۱۵ سال شهرستان بناب بوده که براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ حدود ۴۹۹۰۱ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۱ نفر به عنوان تعداد نمونه انتخاب شده ولی برای دستیابی به نتایج واقعی تعداد نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافته و به تناسب جمعیت هر روستا توزیع شده است (جدول ۲). روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری تصادفی ساده از تمامی روستاهای شهرستان بوده است (۲۹ روستا).

جدول (۲): تعداد جمعیت و حجم نمونه انتخابی به تفکیک روستا

روستا	تعداد نمونه	روستا	تعداد نمونه
چلقایی	۳۲	چپقلو	۳۰
دیزج پروانه	۸	حاجی مصیب	۵
خوشه مهر	۲۵	قره قشلاق	۸
تازه‌کند خوشه‌مهر	۱۳	خانه‌برق قدیم	۱۰
ینگ‌کند خوشه‌مهر	۹	خلیلوند	۱۰
شورگل	۵	علی‌خواجه	۱۱
قیماسخان	۵	آخوندقشلاق	۳۲
قره‌زکی	۵	قره‌چیق	۳۲
صور	۷	خانه‌برق جدید	۲۲
توته‌خانه	۵	خانه برق عیسی‌خانی	۵
آلقو	۱۳	زوارق	۱۷
دوش	۱۰	کوته مهر	۱۰
روشت بزرگ	۱۵	ینگ‌کند خانه‌برق	۱۰
روشت کوچک	۱۰	قشلاق خانه‌برق	۷
زاوشت	۳۰		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

در این پژوهش اطلاعات به‌دست‌آمده با استفاده از شیوه‌های آمار توصیفی و استنباطی و با

۱. Face Validity
۲. Panel of Expert
۳. Pilot study
۴. Reliability

استفاده از نرم افزار SPSS، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در نهایت با استفاده از نرم افزار ARC GIS اقدام به ترسیم نقشه و تحلیل فضایی روستاها از نظر میزان برخورداری از شاخص-های ظرفیت سازی آموزشی نموده است.



شکل (۳). فرآیند انجام پژوهش؛ ترسیم از نگارندگان

یافته های پژوهش

براساس یافته های پژوهش از کل تعداد نمونه ۱۲۸ نفر (۳۲٪) زنان و ۲۷۲ نفر معادل (۶۸٪) را مردان تشکیل داده اند. همچنین از نظر گروه های سنی نیز توزیع پاسخ دهندگان مطابق جدول (۴) بوده است. همچنین از نظر تقسیم بندی گروه های سنی نیز، گروه سنی ۲۶ الی ۳۰ سال با ۱۸/۷۵ درصد دارای بیشترین فراوانی و گروه سنی بالای ۶۰ سال دارای کمترین میزان فراوانی بوده است. در رابطه با توزیع سطح سواد نیز مقطع دیپلم با ۱۴۲ نفر (۳۵/۵۰ درصد) دارای بیشترین مقدار فراوانی و تحصیلات حوزوی با ۱۰ مورد (۲/۵۰ درصد) دارای کمترین

بررسی نقش ظرفیت‌سازی آموزشی بر میزان مشارکت روستائیان در فعالیت‌های ... ۱۳۱

میزان فراوانی بوده است. در رابطه با گروه‌های عمده‌ی شغلی نیز، به ترتیب بیشترین میزان فراوانی مربوط به کشاورزی با ۳۲/۲۵ درصد و دامپروری با ۱۷ درصد به دست آمده است. در نهایت نتایج حاصل از جمع‌بندی داده‌های مربوط به پرسشنامه‌ها در رابطه با متغیرهای ۱۵ گانه پژوهش نشان می‌دهد که متغیر دسترسی به اینترنت با میانگین ۲/۷۲ و انحراف معیار ۱/۳۷ حدود ۲۹/۵۰ درصد افراد گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد، ۲۴/۷۵ درصد گزینه متوسط و ۴۵/۷۵ درصد نیز گزینه‌های کم و خیلی کم را انتخاب کردند. در رابطه با متغیر دسترسی به کتابخانه نیز با انحراف میانگین ۲/۵۵ و انحراف معیار ۱/۱۵ بیشتر پاسخ‌دهندگان (۳۰/۲۵ درصد) گزینه متوسط و کمترین میزان نیز با ۵/۷۵ درصد گزینه‌ی خیلی زیاد را انتخاب نمودند. در رابطه با متغیر تمایل به ارتقای سطح آگاهی فردی نیز با میانگین ۳/۱۳ و انحراف معیار ۱/۸۴ حدود ۳۱/۵۰ درصد گزینه‌ها زیاد و خیلی زیاد، ۳۸/۵۰ درصد گزینه‌ی متوسط و بقیه نیز دو گزینه کم و خیلی کم را انتخاب نمودند. نتایج دقیق حاصل از بررسی پرسشنامه‌های به صورت جدول (۳) است.

جدول (۳). توزیع درصد پاسخ‌های مربوط به متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	میانگین	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	متغیر
۱/۳۷	۲/۷۲	۲۶	۱۹/۷۵	۲۴/۷۵	۱۵/۷۵	۱۳/۷۵	دسترسی به اینترنت
۱/۱۵	۲/۵۵	۲۱/۵۰	۲۸	۳۰/۲۵	۱۴/۵۰	۵/۷۵	دسترسی به کتابخانه
۱/۸۴	۳/۱۳	۷	۲۳	۳۸/۵۰	۲۰/۵۰	۱۱	تمایل به ارتقای سطح آگاهی
۰/۹۹	۲/۶۲	۱۳/۲۵	۳۲/۷۵	۳۶/۲۵	۱۴/۷۵	۳	رضایت از خدمات آموزش
۰/۹۶	۲/۶۶	۱۱/۵۰	۳۲/۲۵	۳۸	۱۵/۷۵	۲/۵۰	تعداد دفعات مشارکت در کلاس
۱/۰۹	۳/۲۳	۶/۵۰	۱۸/۷۵	۳۳	۲۹/۲۵	۱۲/۵۰	تمایل به آموزش مستقیم
۱/۷۰	۳/۳۷	۳/۷۵	۱۸/۵۰	۳۰/۵۰	۳۱/۷۵	۱۵/۵۰	استفاده از رادیو، تلویزیون...
۱/۳۰	۲/۸۳	۱۰/۷۵	۲۵	۴۰	۱۹	۵/۲۵	مطابقت آموزش با نیازها
۱/۷۰	۲/۵۷	۱۸/۷۵	۲۸/۲۵	۳۴/۵۰	۱۴/۵۰	۴	دسترسی راحت به آموزش‌ها
۱/۹۷	۲/۴۱	۲۵/۲۲	۳۸/۵۰	۲۴/۰۰	۱۰/۲۵	۵	میزان مطالعه کتاب
۱/۳۹	۲/۵۰	۱۸/۲۵	۲۵/۷۵	۲۰/۲۵	۲۱	۱۴/۷۵	میزان استفاده از خدمات مشاوره
۱/۵۷	۳/۱۲	۱۳/۲۵	۱۰/۰۰	۲۴/۲۵	۲۵/۲۵	۲۷/۵۰	اعتقاد به سودمند بودن آموزش‌ها
۱/۱۸	۲/۳۴	۱۱/۲۵	۲۰	۱۸/۵۰	۲۵	۲۵/۲۵	تمایل به حضور زنان در محیط‌های آموزشی
۱/۶۷	۲/۷۷	۴/۷۵	۱۵/۷۵	۱۷/۵۰	۳۲/۷۵	۲۹/۲۵	رضایت از سطح دانش آموزش‌دهندگان
۱/۴۰	۲/۱۹	۴/۵۰	۲۲/۵۰	۲۵	۲۹	۱۸	میزان رضایت فرد از مهارت و دانش خود

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

همچنین به منظور سنجش میزان مشارکت اقدام به تعیین سه نوع مشارکت مالی، مشارکت فکری و مشارکت فیزیکی نموده است که نتایج حاصل از توزیع فروانی پاسخ‌ها همانند جدول (۴) بوده است. بر اساس نتایج به دست آمده تمایل به مشارکت مالی با میانگین ۲/۰۴ و انحراف معیار ۱/۰۱ دارای کمترین میزان مشارکت بوده که ۱۹/۵۰ درصد افراد گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد، ۲۳/۵۰ درصد افراد گزینه متوسط و بقیه نیز دو گزینه کم و خیلی کم را انتخاب نمودند. مشارکت فکری نیز با میانگین ۲/۹۸ و انحراف معیار ۱/۳۰ حدود ۷۴/۵۰ درصد گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد و ۱۰ درصد گزینه متوسط و ۱۵/۵۰ درصد نیز گزینه‌های کم و خیلی کم را انتخاب کردند. در نهایت مشارکت فیزیکی با میانگین ۳/۶۳ و انحراف معیار ۰/۹۸ حدود ۵۹/۲۵ درصد دو گزینه‌ی زیاد و خیلی زیاد، ۲۸ درصد گزینه متوسط و ۱۲/۷۵ درصد گزینه‌های کم و خیلی کم را انتخاب نمودند.

جدول (۴). توزیع درصد پاسخ‌های مربوط با انواع شیوه‌های مشارکت روستائیان

متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین	انحراف معیار
مشارکت مالی	۸/۵۰	۱۱	۲۳/۵۰	۴۹/۵۰	۷/۵۰	۲/۰۴	۱/۰۱
مشارکت فکری	۴۱/۲۵	۳۳/۲۵	۱۰	۶/۷۵	۸/۷۵	۲/۹۸	۱/۳۰
مشارکت فیزیکی	۳۲	۲۷/۲۵	۲۸	۵/۵۰	۷/۲۵	۳/۶۳	۰/۹۸

مأخذ (یافته‌های میدانی نگارندگان، ۱۳۹۳)

بررسی حاصل از نتایج پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که علت اصلی پایین بودن تمایل به مشارکت مالی در طرح‌ها، وجود فقر، نبود درآمد و پس‌انداز کافی در بین روستائیان بوده است. همچنین پایین بودن میزان تمایل به مشارکت فکری در مقایسه با مشارکت فیزیکی نیز بیشتر به دلیل عدم اعتقاد روستائیان به توانمندی‌های خود بوده که خود ناشی از عدم آموزش و مهارت کافی آنان است.

یافته‌های استنباطی

برای تعیین همبستگی بین متغیرهای آموزشی و ترویجی با میزان مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است؛ نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که رابطه بین متغیرهای دسترسی به کتابخانه، تمایل به مشارکت در

بررسی نقش ظرفیت‌سازی آموزشی بر میزان مشارکت روستائیان در فعالیت‌های ... ۱۳۳

آموزش، رضایت از خدمات آموزش، میزان مشارکت در کلاس‌ها در گذشته، تمایل به آموزش مستقیم، استفاده از رادیو، تلویزیون...، مطابقت آموزش با نیازها، دسترسی راحت به آموزش‌ها، میزان مطالعه کتاب، میزان استفاده از خدمات مشاوره، اعتقاد به سودمند بودن آموزش‌ها، تمایل به حضور زنان در محیط‌های آموزشی، رضایت از سطح دانش آموزش دهندگان و میزان رضایت فرد از مهارت و دانش خود با متغیر وابسته مشارکت در فعالیت‌های عمرانی در سطح ۱ درصد خطا مثبت شده است. همچنین لازم به ذکر است که برای توصیف میزان همبستگی بین متغیرها نیز از الگوی معروف به قراردادهای داویس (۱۹۷۱) استفاده شد. براساس این الگو ضرایب همبستگی ۱٪ الی ۹٪ جزئی، ۱۰٪ الی ۲۹٪ ضعیف، ۳۰٪ الی ۴۹٪ متوسط، ۵۰٪ الی ۶۹٪ نسبتاً قوی و ۷۰٪ و بالاتر خیلی قوی توصیف می‌شوند. جدول (۵).

جدول (۵). نتایج تحلیل آزمون پیرسون مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	مقدار (p)	مقدار (r)	توصیف همبستگی
دسترسی به اینترنت	۰/۰۸۴	۰/۰۸۷	جزئی
دسترسی به کتابخانه	۰/۰۰۳	۰/۱۱۱	ضعیف
تمایل به مشارکت در آموزش	۰/۰۰۲	۰/۱۱۵	ضعیف
رضایت از خدمات آموزش	۰/۰۰۰	۰/۵۸۰	نسبتاً قوی
میزان مشارکت در کلاس‌ها در گذشته	۰/۰۰۰	۰/۵۲۱	نسبتاً قوی
تمایل به آموزش مستقیم	۰/۰۰۰	۰/۳۷۱	متوسط
استفاده از رادیو، تلویزیون...	۰/۰۰۰	۰/۴۶۶	متوسط
مطابقت آموزش با نیازها	۰/۰۰۰	۰/۳۸۰	متوسط
دسترسی راحت به آموزش‌ها	۰/۰۰۲	۰/۱۶۹	ضعیف
میزان مطالعه کتاب	۰/۰۰۰	۰/۵۷۰	نسبتاً قوی
میزان استفاده از خدمات مشاوره	۰/۰۰۰	۰/۶۴۰	نسبتاً قوی
اعتقاد به سودمند بودن آموزش‌ها	۰/۰۰۰	۰/۳۲۱	متوسط
تمایل به حضور زنان در محیط‌های آموزشی	۰/۰۰۰	۰/۲۸۰	ضعیف
رضایت از سطح دانش آموزش دهندگان	۰/۰۰۰	۰/۲۲۴	ضعیف
میزان رضایت فرد از مهارت و دانش خود	۰/۰۰۰	۰/۲۹۸	متوسط

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

بر اساس یافته‌های جدول فوق بیشترین همبستگی بین ظرفیت‌سازی آموزشی و میزان مشارکت مربوط به میزان استفاده از خدمات مشاوره با مقدار $r=0/640$ ، رضایت از خدمات

آموزش با مقدار $r=0/580$ ، متغیر میزان مطالعه کتاب $r=0/570$ و میزان مشارکت در کلاس‌ها در گذشته با مقدار $r=0/520$ بوده است. همچنین در رابطه با کمترین میزان همبستگی نیز متغیر دسترسی به اینترنت با مقدار $P=0/087$ بوده است و بقیه متغیرها نیز در دو سطح متوسط و ضعیف با میزان مشارکت روستائیان در فعالیتهای عمرانی همبستگی دارند. همچنین نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره مطابق با جدول (۶) بوده است.

جدول (۶). خلاصه مدل رگرسیون رابطه ظرفیت‌سازی آموزشی و مشارکت

مدل	مجموع مجزورات	df	مجذور میانگین	f	sig	R	R ^۲	Adj. R ^۲
رگرسیون	۵۷/۶۶۵	۱۵	۶/۴۰۷					
باقیمانده	۳۹۸/۰۹۵	۳۹۰	۱/۰۲۱	۶/۲۷۷	۰/۰۰۰	۰/۴۸۵	۰/۸۷۱	۰/۳۲۵
کل	۴۵۵/۷۶	۴۰۰						

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

همان‌گونه که در جدول تحلیل واریانس مشاهده می‌کنیم، معیار تصمیم (سطح پوشش معنی‌دار) از $0/05$ کمتر است، بنابراین $R=0/485$ که با درجه‌ی آزادی ۱۵ با سطح اطمینان 99% بین ظرفیت‌سازی آموزشی و میزان مشارکت در فعالیتهای عمرانی رابطه وجود دارد. یا واضح‌تر بین متغیرهای مستقل (ظرفیت‌سازی آموزشی) و متغیر وابسته (مشارکت) با سطح معنی‌داری $p=0/000$ همبستگی وجود دارد. همچنین معلوم شد که $0/325$ از واریانس مشارکت در طرح‌های عمرانی از طریق مؤلفه‌های مربوط به ظرفیت‌سازی آموزشی قابل تبیین است ($R^2=0/871$). به عبارتی بر اساس بتای استاندارد به‌دست‌آمده به جز متغیر دسترسی به اینترنت بقیه متغیرها دارای ارتباط معنی‌دار با میزان مشارکت روستائیان در فعالیتهای عمرانی هستند.

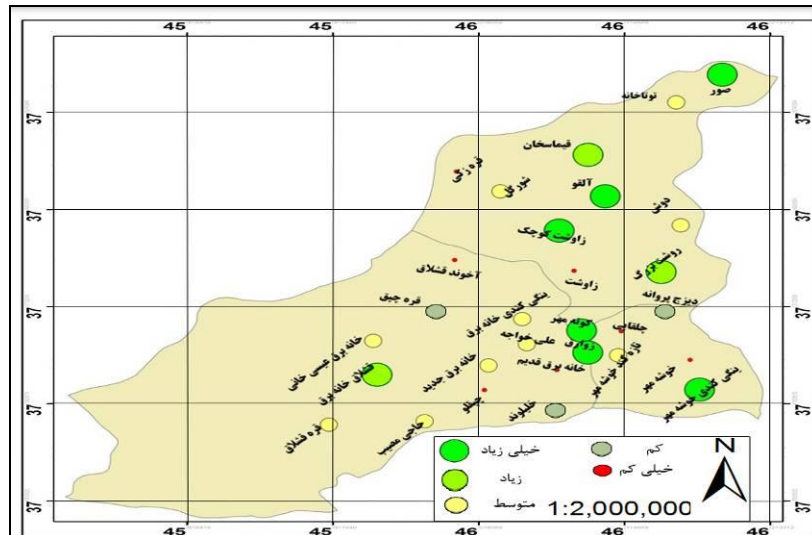
نتایج جدول (۷) نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای مربوط به ظرفیت‌سازی و میزان مشارکت روستائیان در فعالیتهای عمرانی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد و در این بین میزان ارتباط متغیرهای میزان شرکت در کلاس‌های آموزشی، میزان منطبق بودن آموزش با نیاز، میزان مطالعه کتاب، رضایت از خدمات آموزشی و میزان استفاده از خدمات مشاوره بیش از سایر متغیرها بوده است. همچنین ستون مربوط به مرتبه صفر که نشان دهنده میزان تأثیرگذاری

هریک از متغیرهای ظرفیت‌سازی آموزشی در میزان مشارکت روستائیان در فعالیت‌های عمرانی است نشان می‌دهد که به ترتیب متغیر میزان استفاده از خدمات مشاوره با مقدار ۰/۳۲۰، میزان مالعه کتاب با مقدار ۰/۳۲۰، رضایت از خدمات آموزشی با مقدار ۰/۳۰۷ دارای بیشترین تأثیر در مشارکت بوده و بقیه‌ی متغیرها نیز در بیشتر در این متغیرها نهفته است. ستون VIF جدول شماره (۷) نیز مبین میزان تورم در بین متغیرهای مربوط ظرفیت‌سازی آموزشی است که معمولاً عدد بالای دو نشان از وجود تورم و عدد زیر دو و نزدیک به یک نیز نشان دهنده عدم وجود تورم و در نهایت بیانگر نبود مشکل در ورود متغیرهای مهم در مدل است. بنابراین در این مدل به جز متغیر دسترسی به اینترنت به ترتیب VIF مربوط به متغیرهای میزان استفاده از خدمات مشاوره با مقدار ۱/۱۰۱، میزان مطالعه کتاب با مقدار ۱/۱۲۰، میزان علاقه‌مندی به شرکت در آموزش رودرو با مقدار ۱/۱۵۰، تمایل به حضور زنان در محیط‌های آموزشی با مقدار ۱/۱۶۴ و میزان منطبق بودن آموزش با نیاز با مقدار ۱/۱۹۸ دارای کمترین میزان تورم هستند. البته در رابطه با مقدار VIF بایستی گفت که مقدار این عدد مستقل از میزان همبستگی بین متغیرها (متغیرهای ظرفیت‌سازی آموزشی با میزان مشارکت) بوده و تابعی از مشخصات ناهمگون حجم نمونه و همچنین تعداد کافی اندازه نمونه است.

جدول (۷). شاخص‌های آماری رگرسیونی رابطه‌ی متغیرهای آموزشی با میزان مشارکت

VIF	مرتبه صفر	سطح معنی‌داری	متغیر
۱/۹۸۵	۰/۰۳۱	۰/۰۶۲	دسترسی به اینترنت
۱/۹۴۱	۰/۰۷۸	۰/۰۰۴	دسترسی به کتابخانه
۱/۵۴۲	۰/۰۸۰	۰/۰۰۲	تمایل به مشارکت در کلاس آموزشی
۱/۲۲۲	۰/۳۰۷	۰/۰۰۱	رضایت از خدمات آموزشی
۱/۲۸۸	۰/۲۸۴	۰/۰۰۰	میزان شرکت در کلاس‌های آموزشی
۱/۱۵۰	۰/۲۵۱	۰/۰۰۱	میزان علاقه‌مندی به شرکت در آموزش رودرو
۱/۲۶۱	۰/۲۶۶	۰/۰۰۱	میزان سودمندی رادیو و تلویزیون در آموزش
۱/۱۹۸	۰/۲۴۹	۰/۰۰۰	میزان منطبق بودن آموزش با نیاز
۱/۳۲۴	۰/۱۰۰	۰/۰۰۲	دستیابی راحت به خدمات آموزشی
۱/۱۲۰	۰/۳۰۳	۰/۰۰۰	میزان مطالعه کتاب
۱/۱۰۱	۰/۳۲۰	۰/۰۰۰	میزان استفاده از خدمات مشاوره
۱/۴۵۰	۰/۲۳۴	۰/۰۰۱	اعتقاد به سودمند بودن آموزش‌ها
۱/۱۶۴	۰/۲۳۳	۰/۰۰۱	تمایل به حضور زنان در محیط‌های آموزشی
۱/۳۳۰	۰/۱۴۱	۰/۰۰۱	رضایت از سطح دانش آموزش دهندگان

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.



شکل (۴). اولویت‌بندی روستاها از منظر ظرفیت‌سازی اجتماعی (یافته‌های میدانی نگارندگان)

شکل (۴) توزیع فضایی روستاها شهرستان را از نظر میزان برخورداری از زیر ساخت‌های آموزشی در ۵ سطح نشان می‌دهد. که براساس نتایج روستاهای صور (۲/۳۲)، توتاخانه (۲/۶۱)، قیماسخان (۲/۱۵)، آلقو (۲/۷۷)، شورگل (۲/۸۰)، قره‌زکی (۲/۶۳)، دوش (۲/۷۳)، ینگگی‌کندی خوشه مهر (۲/۶۶)، حاجی مصیب (۲/۴۷)، قشلاق خانه‌برق (۲/۷۵)، زوارق (۲/۷۸) و علی خواجه (۲/۷۴) از نظر زیرساخت‌های آموزشی و ترویجی در وضعیت متوسط و روستاهای روشت بزرگ (۴/۱۱)، زاوشت کوچک (۲/۹۹)، زاوشت (۴/۱۵)، دیزج پروانه (۴/۲۰)، چلقایی (۳/۹۸)، کوته مهر (۳/۹۱)، تازه کند خوشه مهر (۳/۸۹)، ینگگی‌کندی خانه‌برق (۴/۰۲)، قره‌چپق (۳/۹۷)، خانه برق عیسی‌خانی (۳/۹۸)، قره قشلاق (۴/۰۰)، خانه‌برق قدیم (۳/۹۸)، چپقلو (۳/۹۹) و آخوندقشلاق (۳/۷۹) از این نظر در وضعیت بالایی قرار دارند.

نتیجه‌گیری

امروزه همگان بر این امر اتفاق نظر دارند که مشارکت در روند توسعه همه جانبه‌ی روستایی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و تعدد کتب، مقالات و کنفرانس و... نیز مؤید این ادعا است؛ ولی آنچه در این میان اهمیت دارد این است که چگونه می‌توان مشارکت ساکنین روستایی را برنامه‌های عمرانی جلب نمود؛ و یا اینکه مردم این روستاها در صورت مهیا بودن چه شرایطی حاضر به همکاری با نهادهای دولت و یا نهادهای محلی، در زمینه‌ی مدیریت توسعه روستای

خود خواهند بود، جواب دقیق این سؤال در صورتی به دست خواهد آمد که در قدم اول شناخت دقیق و کافی از ظرفیت‌های موجود در روستا برای مشارکت به دست آید، زیرا بر اساس اصول ظرفیت‌سازی اجتماعی همه‌ی افراد دارای ظرفیت‌های بالقوه برای مشارکت هستند که بایستی این ظرفیت‌ها شناسایی و تقویت گردد؛ بنابراین می‌توان گفت ظرفیت‌سازی اجتماعی به دنبال شناخت ظرفیت‌های فعلی افراد و استفاده‌ی بهینه از آن‌ها بر اساس واقعیات موجود در سطح روستاها است. در مرحله‌ی بعدی به دنبال استفاده از این ظرفیت‌های محلی و بومی در روند جلب مشارکت روستائیان در فعالیت‌های عمرانی با تکیه بر همین ظرفیت‌ها است. بنابراین دستیابی به سطح توسعه‌ی مورد بدون مشارکت ذینفعان که از سطح مهارت‌ها و آموزش‌های بالایی برخوردار باشند امکان‌پذیر نیست؛ یافته‌های این پژوهش نیز مؤید این ادعا است که بین ظرفیت‌سازی آموزشی و میزان مشارکت روستائیان شهرستان بناب در فعالیت‌های عمرانی را به وجود دارد. ($R=0/485$)، این یافته‌های کاترین^۱ و میشل^۲ (۲۰۱۲)، والکر^۳ (۲۰۰۲) و اندر^۴ و بارت^۵ (۲۰۰۶) مطابقت دارد.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بین روستاهای شهرستان بناب از نظر سطح برخورداری از ظرفیت‌های آموزشی اختلاف زیادی وجود دارد که نیاز به تجدید نظر در ارائه منابع آموزشی به روستائیان است. بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش و به منظور استفاده حداکثری از ظرفیت‌های آموزشی روستائیان شهرستان بناب به منظور جلب مشارکت آنان در فعالیت‌های عمرانی پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- ۱- با توجه به یافته‌های پژوهش مبنی بر اینکه بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان تمایل روستائیان به مشارکت همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد، بنابراین پیشنهاد می‌شود برنامه‌هایی آموزشی با رویکرد مرتبط با نیازهای زندگی روستائیان طراحی و پخش گردد.
- ۲- نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هنوز بیشتر روستائیان تمایل به شرکت در کلاس‌های آموزشی به صورت حضوری دارند بنابراین پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ریزی برای ارائه آموزش‌های حضور و بیشتر به صورت آموزش برسر پروژه مورد توجه قرار گیرد.
- ۳- قبل از اجرای پروژه‌های عمرانی طی جلسات و آموزش‌های متمادی مردم روستاها را در مورد اهداف و ضرورت مشارکت در اجرای پروژه‌ها آماده نمود.

^۱ Katherine

^۲ Michael

^۳ Walker

^۴ Van der

^۵ Barrett

۴- به‌طور کلی با توجه به این که اینکه مشکلات موجود در روستاها برگرفته از علل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... است. از این رو رویارویی با آن به تنهایی در توان یک دستگاه بخشی نبوده و هرگونه اقدام در گره‌گشای این معضل، نیاز به بازنگری سیستم مدیریت روستایی با مشارکت همه‌جانبه‌ی عوامل دارد.

۵- از آنجایی که ارتقای ظرفیت‌های آموزشی در مناطق روستایی، شاخص توانمندی نظام اجتماعی به شمار می‌رود، این توانمندی به لحاظ عملی از طریق ارزیابی نیازمندی‌های آموزشی روستایی مدنظر قرار می‌گیرد؛ بنابراین به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باید بر اساس ابزار و امکانات موجود و با یک نظام آموزشی اقدام به تقویت مناسبات و همبستگی‌های آموزش‌ها و نیازهای روستائیان بپردازند. زیرا براساس نتایج این پژوهش بین متغیرهای مرتبط با ظرفیت‌سازی آموزشی ارتباط و همبستگی دورنی وجود داشته و موفقیت در امر توسعه ظرفیت‌های آموزشی روستائیان بدون در نظر گرفتن تمامی ابعاد در دسترس نخواهد بود.

۶- افزون بر این، از نظر پژوهشی به پژوهش‌گران علاقه‌مند توصیه می‌شود این پژوهش را با دوره پیگیری در میان افراد ساکن در مناطق روستایی و رده‌های مختلف به تفکیک متغیرهایی مانند جنسیت، سن و میزان تحصیلات انجام دهند تا از طریق طرح‌های پژوهشی درازمدت میزان ثبات و بقای تأثیرات ایجادشده مشخص گردد.

منابع و ماخذ

۱. استعلاجی، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی الگوهای مدیریت روستایی در ایران با تأکید بر مدیریت محلی و مشارکتی دهیاری‌ها، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، سال دهم، شماره ۲۲، صص ۲۵۸-۲۳۹.
۲. جهانیان، علی (۱۳۸۹). ضرورت و نقش آموزش در بهسازی نیروی انسانی و توسعه در هزاره سوم، فصلنامه علمی خرد، شماره ۹، صص ۳۰-۱۰.
۳. رحیم زاده، معصومه؛ انزایی، الهه (۱۳۹۱). بررسی وضعیت مدیریت فضای روستایی و نقش شورا و دهیاری در بهبود آن با تأکید بر نظریه راجرز نمونه موردی: بخش مرکزی شهرستان هشتروند، چهارمین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا، تهران، صص ۱۱۷-۱۱۵.

۴. سازمان ملی آمار (۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
۵. سرور، رحیم، موسوی، میرنجف، دانیالی، تهمینه (۱۳۹۰). رابطه‌ی مشارکت و توسعه روستایی در شهرستان میاندواب: مطالعه‌ی موردی بخش مرحمت آباد. فصلنامه‌ی روستا و توسعه. سال ۱۴، شماره: ۱۳۷-۱۱۷.
۶. صیدائی، اسکندر؛ دهقانی، امیر (۱۳۸۹). نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه‌ی روستایی: با تأکید بر مشارکت سنتی و جدید، فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست‌ویک، شماره‌ی اول، صص ۱۲۳-۱۰۰.

Copland, M, A, (۲۰۰۳). **Leadership of inquiry: Building and sustaining capacity for school improvement**. Educational evaluation and policy analysis, ۲۵(۴), pp: ۳۷۵-۳۹۵.

Cuthill, M, & Fien, J, (۲۰۰۵). **Capacity building: Facilitating citizen participation in local governance**. Australian Journal of Public Administration, ۶۴(۴), ۶۳-۸۰.

Merode, E, Smeets, H, J, & Westrik, C, (۲۰۰۴). **Linking Universal and Local Values: Managing a Sustainable Future for World Heritage: a Conference Organized by the Netherlands National Commission for UNESCO**, in Collaboration with the Netherlands Ministry of Education, Culture and Science, ۲(۵), pp: ۲۲-۲۴.

Katherine, S, Campbell, B, S, & Michael B, Edwards (۲۰۱۰) **Building Capacity for Youth Development in Rural Areas**. YDI Research Brief.

Lambert, L, (۲۰۰۲). **A framework for shared leadership**. Educational leadership, ۵۹(۸), pp:۳۷-۴۰.

Laverack, G, & Thangphet, S, (۲۰۰۹). **Building community capacity for locally managed ecotourism in Northern Thailand**. Community Development Journal, ۴۴(۲), pp: ۱۷۲-۱۸۵.

Maria, H, (۲۰۱۱). **Training and Capacity-Building for Rural People**

– **How to Define the Landscape?** International Fund for Agricultural Development (IFAD), Rome, ۵ (۴), pp: ۶۱-۶۴

Murray, M, & Dunn, L, (۱۹۹۵). **Capacity building for rural development in the United States.** Journal of Rural Studies, ۱۱(۱), pp: ۸۹-۹۷.

Shortall, S, (۲۰۰۸). **Are rural development programmes socially inclusive? Social inclusion, civic engagement, participation, and social capital: Exploring the differences.** Journal of Rural Studies, ۲۴(۴), pp: ۴۵۰-۴۵۷.

Van der Plaats, M, & Barrett, G, (۲۰۰۶). **Building community capacity in governance and decision making.** Community Development Journal, ۴۱(۱), pp: ۲۵-۳۶.

Walker, D, H, (۲۰۰۲). **Decision support, learning and rural resource management.** Agricultural systems, ۷۳(۱), pp: ۱۱۳-۱۲۷.

Wang, Z, & Dai, W, (۲۰۱۳). **Women's Participation in Rural China's Self-Governance: Institutional, Socioeconomic, and Cultural Factors in a Jiangsu County.** Governance, ۲۶(۱), pp: ۹۱-۱۱۸.

World Bank Group, (۱۹۹۹). **"The World Bank Participation Sourcebook"**, Oxford University Press, New York.

Zhang, X, & Lu, Y, (۲۰۱۱). **Reflection on Farmers' Participation in Rural Community Cultural Construction.** Asian Social Science, ۷(۹), pp: ۱۲۳-۱۵۰.

Fagerlind, D, (۲۰۰۱). **Higher Agricultural Education and Opportunity in Rural Development for Women,** The Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO), Rome, Italy, pp. ۷-۱۱.

Micheal, F, Keith, L, (۲۰۱۰). "Role of human capital in human development: evidence from aggregate cross- country data", Journal of Monetary Economics, ۶ (۸), pp: ۱۴۳- ۱۴۶.

Margaret, P, (۲۰۰۲). **Cognitive Elements of Empowerment: an “Interpretive” Model of intrinsic Task Motivation.** Cad Manage Rev, ۶۶۶-۶۶۸.